

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۷/۲۴

صفحات: ۲۳۷-۲۵۲

اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای

اجماع

مهران عبدلی

گروه حقوق، دانشکده بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

مریم مرادی

استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول)

سید باقر میرعباسی

استاد حقوق عمومی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

ابومحمد عسگرخانی

استاد روابط بین‌الملل در دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

در جهان کنونی که رشد تغییرات در تمام عرصه‌ها در حال وقوع می‌باشد نیاز به سیستم‌هایی کارآمد در عرصه بین‌المللی دو چندان است. یکی از مهم‌ترین نظامات در عرصه بین‌المللی سازمان ملل متحد به عنوان جامع‌ترین سازمان بین‌المللی است که باید خود را با نیازهای کنونی همراه کند. ولی از بدو تاسیس این سازمان اصلاحاتی جزئی در این سازمان و بالاخص رکن مهم آن یعنی شورای امنیت به وقوع پیوسته است، گروه‌های زیادی از دبیر کل وقت (کفی عنان) تا اتحادیه آفریقا، گروه کشورهای جنوب، جنبش عدم تعهد، گروه چهار و گروه کشورهای هم‌اندیش موسوم به اتحاد برای اجماع طرح‌هایی را برای اصلاح و کارآمدی بیشتر این شورای پیشنهاد نموده‌اند که تا به امروز در خصوص هیچ کدام توافق جامعی صورت نگرفته است. از میان ایده‌های اصلاحی پیشنهاد شده طرح گروه چهار با اقبال بیشتری مواجه بود ولی گروه کشورهای هم‌اندیش مسیری در تقابل با این گروه را در پیش گرفتند، برخلاف گروه چهار (چهار کشور: آلمان، ژاپن، برزیل و هند) که خاستار افزایش اعضای دائم شورای امنیت بودند گروه کشورهای هم‌اندیش صرفاً خواستار افزایش اعضای غیر دائم این شورا می‌باشد که در این راستا اتهاماتی را نیز به یکدیگر ایراد نموده‌اند.

واژگان کلیدی: اصلاحات، شورای امنیت، اتحاد برای اجماع، گروه چهار

۱- مقدمه

جنگ جهانی دوم مفهوم سازمان‌های بین‌المللی و چندجانبه را برای همیشه تغییر داد. بعد از ناکامی جامعه ملل، کشورهای پیروز جنگ تصمیم گرفتند نسخه به‌روز و اصلاح‌شده جامعه ملل را تأسیس کنند. بنابراین، متفقین جنگ جهانی دوم، با این استدلال که بشر جنگ جهانی سوم را متحمل نشود، به تدریج بحث‌هایی را به منظور ایجاد سازمانی برای اتحاد کشورها به راه انداختند که انتخاب نام سازمان ملل متحد^۱ برای آن را توجیه می‌کند. پیش‌نویس سندی که تعیین‌کننده مشخصه‌های این نهاد بین‌المللی جدید بود در سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ تصویب شد. در این کنفرانس ۵۰ کشور^۲ دور هم گردآمده بودند و نتیجه آن تنظیم سندی یکصد و یازده ماده‌ای بود (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۳۰۹).

افزایش چشمگیر اعضا سازمان ملل منشا بحران نمایندگی در داخل سازمان شد. حتی با افزایش اولیه تعداد اعضا در ده سال اول، تازه‌واردان به تدریج ساختار و رویه‌های داخلی سیستم سازمان ملل را مورد تردید قرار دادند و اعضای جدید مدعی شدند که ایده تأسیس سازمان باید با شرایط افزایش تعداد کشورهای عضو مطابقت داشته باشد تا تمام اعضا در سیستم عادلانه نمایندگی در نظر گرفته شوند. این استدلال عیناً مبتنی بر اصل برابری کشورهای عضو است، که در بند اول اصل دوم منشور محفوظ است.^۳

شورای امنیت سازمان ملل به دلیل اهمیت زیاد آن، بارزترین مثال برای این‌گونه مطالبات نمایندگی است. این شورا براساس منشور با مسئولیت تشخیص وجود تهدید و اقدام برهم زننده صلح، شناسایی اقدامات تجاوزکارانه، ارائه توصیه یا تصمیم‌گیری درباره اقدامات حافظ صلح یا برگرداندن صلح، حل و فصل مسالمت آمیز مناقشات و تحقق توافقات منطقه‌ای شکل گرفت. تمام این اقدامات، باز هم براساس منشوری که به امضای تمام اعضا رسیده است،

^۱. UN

^۲. Fifty countries were accepted as official members of the conference and Poland was an observer state by that time.

^۳. "اساس سازمان اصل برابری مطلق تمام اعضای آن است." منشور سازمان ملل، اصل ۲، بند ۱

— اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای اجماع

باید به نمایندگی از کل اعضا انجام شود. اما، این اعضا، آن طور که در مجمع عمومی نمایندگی دارند، در همه حالات نمی‌توانند در ترکیب شورا نمایندگی داشته باشند^۱.

بعد از افزایش گسترده اعضا، که در ۲۰ سال نخست عمر سازمان ملل اتفاق افتاد، اولین درخواست‌ها برای تغییر ترکیب شورای امنیت شکل گرفت. کشورهای عضو مدعی بودند که نمایندگی اعضای روبه‌افزایش سازمانی که بیش از یکصد عضو دارد در شورایی که فقط ۱۱ کرسی در اختیار دارد، غیرممکن است. بنابراین، در سال ۱۹۶۵ تنها مورد افزایش اعضای شورای امنیت روی داد و تعداد کل اعضا با افزایش فقط کرسی‌های غیردائم به ۱۵ عضو رسید.

به‌رغم افزایش کرسی‌های شورا، درخواست نمایندگی تا به امروز ادامه داشته است. تشکیل گروه‌هایی مانند جنبش عدم-تعهد (NAM)^۲ و سازمان وحدت آفریقا (OAU)^۳ و... اکثریت کشورهای که در مجمع عمومی نماینده کافی نداشتند، را برانگیخت و خواستار نمایندگی و کارایی بیشتر در عصر جنگ سرد شدند. بعد از پایان این دوره، افزایش تقاضا برای فعالیت شورای امنیت و اهمیت فزاینده این نهاد در حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی این درخواست‌ها را به موضوع اصلی بحث‌های مجمع عمومی تبدیل کرد و سرانجام در دستور کار رسمی مجمع در سال ۱۹۹۲ قرار گرفت (موسی‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۷).

"مسئله نمایندگی عادلانه در شورای امنیت و افزایش اعضای آن و موضوعات مربوطه" - عنوان موضوع دستور کار سال ۱۹۹۲ - سرآغاز فرایند رسمی بحث درباره موضوع اصلاح شورای امنیت بود. این بحث‌ها برای تمام اعضای سازمان ملل آزاد بود و به‌محض شروع مباحثات در سال ۱۹۹۳، گروه کاری نامحدودی تشکیل دادند که هدف آن تدوین راه‌حل برای بحران نمایندگی در شورای امنیت سازمان ملل بود. دسته‌بندی‌های اعضا، تعداد کرسی‌های جدید، حق رأی و توزیع کرسی‌ها مهم‌ترین موضوعاتی بودند که طی سال‌ها بی‌وقفه درباره آن‌ها بحث شده است. اما، تاکنون سازمان ملل متحد به راه‌حل منطقی برای این بحران نمایندگی دست نیافته است.

^۱ هر کشور عضو در سازمان فقط نماینده یک رأی است و نسبت به فرایندهای مجمع عمومی حق تصمیم‌گیری دارد. این سیستم نشان‌دهنده دموکرات‌ترین ساختار نمایندگی در درون سازمان ملل است.

2 . Non-Aligned Movement

3 . Organisation of African Unity

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شمره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

باید توجه داشت که، حتی با وجود دشواری‌های این فرایند، اعضا از هیچ تلاشی برای پیشبرد بحث‌ها دریغ نکرده‌اند. در دوره طولانی بحث اصلاحات، گروه‌های ذینفع متعددی شکل گرفته است. برخی برای بهبود روش‌های کاری در شورا جنگیدند و خواستار کارآمدی و شفافیت بیشتر در این نهاد شدند و برخی دیگر برای بهبود رویه‌ها و افزایش نمایندگی در شورا پیشنهادهایی ارائه کردند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

فرایندهای تصمیم‌گیری در سازمان ملل اساساً متأثر از تشکیل این گروه‌ها است. در بیشتر مواقع، این گروه‌ها برحسب منطقه شکل می‌گیرند، اما گروه‌های مهم را کشورهای هم‌فکر تشکیل می‌دهند که براساس اهداف و منافع مشابهی متحد شده‌اند که بسیار فراتر از مسائل منطقه‌ای است. به‌ویژه، در مواردی مانند اصلاح شورای امنیت، قدرت و تأثیر این گروه‌ها بسیار چشمگیر است. در شرایطی که هر قطعنامه مرتبط با موضوع منوط به تأیید بیش از یک‌سوم کشورهای عضو سازمان باشد، تشکیل گروه در دستیابی به نتایج مثبت در زمان رأی‌گیری ضروری است (Turner & Williamson, 2005: 7).

در بحث‌های ۲۰ ساله درباره اصلاح شورای امنیت و افزایش تعداد کرسی‌ها در این شورا، سه ائتلاف مهم اتحادیه آفریقا (AU)، گروه چهار (G4) و اتحاد برای اجماع (UFC)^۱ جایگاه مهمی یافته‌اند. پیشنهادات و طرح‌های رسمی آن‌ها در پاسخ به درخواست دبیرکل برای تلاش بیشتر در جهت پیشبرد فرایند اصلاحات، در اجلاس جهانی ۲۰۰۵ ارائه شد.

در میان این سه گروه، اتحادیه آفریقا (که پیش‌تر به سازمان وحدت آفریقا معروف بود) تنها ائتلاف منطقه‌ای محسوب می‌شود. صرف‌نظر از درخواست‌های کلی این ائتلاف برای نمایندگی عادلانه منطقه‌ای در شورای امنیت، طرح آفریقایی در واقع تلاش برای جبران محرومیت کامل این قاره از کرسی‌های دائم در شورا است. طبق طرح اتحادیه آفریقا، دورنمای اصلاحات عادلانه مستلزم ایجاد شش کرسی دائم در شورا است و دو کرسی باید در اختیار کشورهای آفریقایی قرار گیرد. طرح آفریقایی همچنین خواستار افزایش تعداد کرسی‌های غیردائم و اضافه شدن پنج کرسی انتخابی دیگر به این نهاد است (عبدلی، ۱۳۹۶: ۸۸).

گروه ۴ که از چهار کشور هم‌فکر-برزیل، آلمان، هند و ژاپن-تشکیل شده است نیز قصد دارد به مسئله عدم نمایندگی برخی مناطق در کرسی‌های دائم شورای امنیت بپردازد.

¹ uniting for consensus

— اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای اجماع^۱

پیشنهاد این گروه افزوده شدن شش کرسی دائم و پنج کرسی غیردائم جدید به شورا است. به‌زعم این گروه، در یک دورنمای دموکراتیک از برابری مطلق کشورها، تمام مناطق باید در میان اعضای دائم نمایندگی داشته باشند. جدا از جاذبه دموکراتیک این طرح، کشورهای عضو گروه چهار صریحاً خواهان آن هستند که بخشی از کرسی‌های دائم جدید به آن‌ها تعلق گیرد و دو کرسی دیگر به کشورهای آفریقایی داده شود.

برخلاف دو طرح قبلی، ائتلاف اتحاد برای اجماع یا همان ائتلاف کشورهای هم‌اندیش—که در دهه ۱۹۹۰ به (Coffee Club) معروف بود—فقط خواهان افزایش کسری‌های غیردائم شورای امنیت است. به‌زعم این کشورهای هم‌فکر، که شامل ایتالیا، ترکیه، کانادا، اسپانیا، پاکستان و جمهوری کره می‌باشد، چشم‌انداز اصلاحات دموکراتیک، تفاوت چندانی بین اعضا به وجود نمی‌آورد. طرح آن‌ها نیز، از دیدگاهی متفاوت، همان احترامی را برای برابری مطلق کشورهای عضو قائل می‌شود که طرح‌های دو گروه دیگر دارد.

از آغاز شکل‌گیری Coffee Club به رهبری ایتالیا در دهه ۱۹۹۰، رابطه بین گروه چهار و UfC با بحث درباره مواضع و دیدگاه‌ها پیرامون اقدامات مختلف توأم بوده است. از آن‌جا که برخی اعضای اصلی گروه UfC با یکی از اعضای گروه چهار همسایگی دارند، برخی کشورها اقدامات این گروه را تلاش برای جلوگیری از دستیابی کشورهای گروه ۴ به کرسی دائم در شورای امنیت می‌دانند (عبدلی، ۱۳۹۶: ۸۵).

سال ۱۹۹۸، در خلال بحث درباره موضوع نمایندگی عادلانه در شورای امنیت، کافی کلاب پیش‌نویسی خود را ارائه و پیشنهاد کرد زمان بیشتری برای بحث درباره موضوع اختصاص یابد.^۱ هدف این طرح پیشنهادی، تعیین اصل ۱۰۸^۲ منشور به‌عنوان قانون رسمی رأی‌گیری برای

^۱ . See the 16th letter of the 53rd session of the General Assembly, 28 October 1998. (A/53/L.16)

^۲ . “Amendments to the present Charter shall come into force for all Members of the United Nations when they have been adopted by a vote of two thirds of the members of the General Assembly and ratified in accordance with their respective constitutional processes by two thirds of

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره
چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تصمیم‌گیری دربارهٔ اصلاح شورای امنیت بود. نمایندگان ژاپن و آلمان در مواجهه با خطری که ممکن بود این پیشنهاد برای نامزدی آن‌ها برای کرسی دائم در پی داشته باشد، نامه‌ای نوشتند و با این ادعا که این تلاشی برای توقف حرکت حاصل از بحث‌ها است از دیگر هیئت‌های نمایندگی درخواست کردند از این سند حمایت نکنند (Drifte, 2000:184). این اولین اتهامات مبنی بر تلاش برای تأخیر در بحث‌ها علیه ائتلافی از کشورهایی بود که اخیراً گروه UFC را تشکیل داده بودند. این اتهامات، که تا امروز نیز وجود دارد، نقطهٔ شروع پژوهش موردی‌ای است که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله به جایگاه نقش کشورهای گروه ۴ و گروه اتحاد برای اجماع به عنوان قدرت‌های نوظهور در اصلاح شورای امنیت پرداخته شده است.

۱-۱- پیشینه تحقیق

پژوهشگران به موضوعات متعددی پرداخته‌اند و بسیاری دربارهٔ این که چگونه فرایند اصلاحات ممکن است به تغییر مثبت منتهی شود، اظهارنظر کرده‌اند. مهم‌ترین گروه از ایده‌هایی که در "متون مربوط به گسترش شورای امنیت" وجود دارد، عبارت بودند از: اول، آثار و کتاب‌های مرتبط با سیستم سازمان ملل و به‌طور کلی اصلاحات؛ دوم، آثاری در زمینهٔ تحلیل گروه‌ها به‌مثابهٔ بازیگران مهم در عرصهٔ بین‌المللی؛ سوم، آثار و کتاب‌های مربوط به دیدگاه‌های کلی دربارهٔ تمام طرح‌های پیشنهادی و روال بحث‌ها؛ چهارم، تحلیل‌ها و اظهارنظرها دربارهٔ مواضع کشورهای خاص؛ و نهایتاً، گروه پنجم شرح مختصری دربارهٔ مواضع خاصی که پیرامون موضع گسترش شورای امنیت وجود دارد.

از جمله موضوعاتی که کمتر در محیط دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است، به نظر می‌رسد پیشنهاد گروه UfC بوده که چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بیشتر پژوهشگران اعضای گروه چهار را بازیگران اصلی اصلاحات می‌دانند، حال آن که اکثریت پیشنهادات UfC را مخرب یا شگردی برای به تعویق انداختن فرایند قلمداد می‌کنند. حتی در تشریح مواضع اعضای

the Members of the United Nations, including all the permanent members of the Security Council." *UN Charter*, Article 108, Chapter XVIII.

— اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای اجماع ◇

UfC معمولاً آن را اقلیتی تعریف می‌کنند که تلاش می‌کند دیگر بازیگران را از دستیابی به کرسی‌های دائم شورا باز دارد.

جنبه مهم تحقیقات دانشگاهی درباره تلاش‌های صورت گرفته برای گسترش شورای امنیت، تضاد بین توجه زیاد به برخی دیدگاه‌ها و مواضع و عدم توجه درباره سایر دیدگاه‌ها در درون فرایند است. توجه زیاد به تحلیل دیدگاه‌های خاص برخی کشورها با کاهش مواضع مخالف با این توجه توأم است.

باتوجه به مباحث مذکور چندی از کتاب‌هایی که با این دیدگاه به نگارش درآمده‌اند به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- شورای امنیت و مسئله تجدید ساختار آن، کروش احمدی (۱۳۸۶)

۲- اصلاح ساختار شورای امنیت زمینه‌ها و ضرورت‌ها، عبدالنعیم شهیریاری (۱۳۹۴)

۳- شورای امنیت سازمان ملل: وتو و تحول در نحوه کاربرد آن، رضا موسی زاده؛
ارسلان جمشیدی (۱۳۹۳)

۴- اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد ایران، رضا موسی زاده (۱۳۸۵)

۱-۲- سوالات تحقیق

با تجزیه و تحلیل بحث‌های اصلاحات و بررسی دیدگاه‌های آکادمیک درباره چگونگی شکل‌گیری فرایند اصلاحات شورای امنیت، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا UfC طرحی واقعی برای اصلاح شورای امنیت دارد؟ یا فقط ائتلافی است که سعی می‌کند بحث را به حلقه دائمی ناکارآمدی و بیهودگی بکشاند؟

۱-۳- اهداف تحقیق

اما، این پرسش که "آیا گروه UfC واقعاً به دنبال اصلاحات است یا صرفاً تفرقه است"، پرسش مبهمی است. بررسی دقیق فعالیت‌های گروه UfC در فرایند طولانی اصلاحات

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شمره
چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

ممکن است به نتایج مثبت و منفی منجر شود. نتایج منفی این تحقیق نشان‌دهنده دو جنبه تعیین‌کننده است: مدرک واقعی دال بر تلاش برای تأخیر در فرایند اصلاحات و درک قطعی درباره اولویت موضوعات منطقه‌ای به‌عنوان انگیزه و علت مواضع این گروه. با تحلیل وقایع‌نگاری اقدامات و شتاب و تحرک حاصل از احتمال گسترش شورای امنیت، این امکان وجود دارد که پاسخ مستقیم گروه UFC به دستاوردهای احتمالی دیگر گروه در داخل فرایند را ممانعت تعبیر کرد. درباره سناریویی که در آن دربرابر اقدامات کشورهای خاصی موضع‌گیری شفاف می‌شود نیز می‌توان همین را عنوان کرد، که ثابت می‌کند موضوعات منطقه‌ای ممکن است اصلی‌ترین انگیزه UFC و برهم زدن توافقات مهم‌ترین هدف آن‌ها باشد.

۱-۴- روش تحقیق

نوع روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و سعی بر آن است که علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله پرداخت شود. روش گردآوری تحقیق اغلب به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

۲- طرح گروه ۴

نخست وزیران ژاپن و هند، وزیر امور خارجه آلمان و رییس جمهور برزیل با صدور بیانیه مشترکی در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴ خواستار عضویت دایم در شورای امنیت شدند و از آن تاریخ به بعد به عنوان «گروه ۴» معروف گردیده‌اند. و اعلام داشتند که شورای امنیت باید واقعیت جامعه بین‌المللی را منعکس نموده و به عنوان یک ارگان دموکراتیک نماینده مشروع همه کشورهای محسوب شود و از کشورهای در حال توسعه نیز به عنوان اعضای دایم شورا انتخاب شوند (Rodriguez, 2010: 32). این بیانیه در چهار بند تنظیم شده است که در بند اول آن تصریح گردیده است که اعضای دایم شورای امنیت باید از کشورهای هایی باشند که اراده و ظرفیت پذیرش مسئولیت‌های اصلی شامل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را داشته باشند و در بند ۴ اشاره شده که چهار کشور هند، برزیل، ژاپن، آلمان از عضویت یکدیگر در شورای امنیت به طور متقابل حمایت خواهند کرد (آقازاده، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

این گروه نسخه پیش نویس قطعنامه مربوط به اصلاح ساختار شورای امنیت را در ۱۳ مه ۲۰۰۵ به طور غیر رسمی منتشر کردند. گروه مذکور خواهان افزایش تعداد اعضای سازمان به ۲۵ عضو شده‌اند، که ۶ عضو از آنها جز اعضای دائم باشند، گروه مذکور صریحاً لیست

— اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای اجماع ◇

کشورهایی که باید به عضویت دائم پذیرفته شوند را ارائه نداده است اما ۴ دولت پیشنهاد دهنده این طرح، خود را دارای موقعیت برتر می دانند و معتقدند که امتیاز لازم برای احراز کرسی دائم را دارا می باشند و یک کرسی دایم را نیز حق کشورهای آفریقایی می دانند (موسی زاده؛ جمشیدی، ۱۳۹۳: ۵۰)، به نظر می رسد که دو عضو از آسیا (هند و ژاپن)، یک عضو از آمریکای لاتین (برزیل) و یک عضو از گروه کشورهای غربی (آلمان) و دو عضو دیگر یکی از آفریقا و یک عضو از کشورهای در حال توسعه انتخاب شوند و بعید نیست که هر دو کشور آفریقایی باشند و چهار عضو دیگر جز اعضای غیر دایم باشند و از آفریقا، اروپای شرقی، آسیا و آمریکای لاتین انتخاب شوند. و در پیش نویس مذکور ذکر کردند که داوطلبان عضویت می بایست در خواست خود را به مجمع عمومی ارائه داده و مجمع با دو سوم آرا اعضای دایم جدید را انتخاب نماید (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۹). در بند ۴ ذکر گردیده بود که اعضای دایم جدید باید با اعضای کنونی از لحاظ مسوولیت و مزایا تفاوتی نداشته باشند. گروه ۴ با توجه به لزوم کسب دو سوم آرای اعضای مجمع عمومی، در ۸ ژوئن ۲۰۰۵ نسخه قبلی پیش نویس خود را اصلاح کرد که مهم ترین مورد آن موکول نمودن اعطای حق وتو به اعضای دایم جدید در کنفرانس بازنگری در سال ۲۰۲۰ بود (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

در بین کشورهای گروه ۴، آلمان و ژاپن خواستار تغییر وضعیت فعلی به صورت محدود و بر اساس منافع کشور خود بودند اما برزیل و هند خواستار حضور کشورهای در حال توسعه در شورای امنیت شدند (شهریاری، ۱۳۹۴: ۷۴). آلمان معتقد است که مساله حق وتو اعضای دایم شورای امنیت باید روشن و شفاف گردد و برزیل که با عضویت کشورهای در حال توسعه در شورای امنیت سازمان ملل موافق می باشد معتقد است که توسعه شورای امنیت باید به صورت متوازن و بر اساس شرایط کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد و برزیل حاضر است هزینه های مربوط به عضویت را بپذیرد (Hoffmann & Ariyoruk, 2005: 8). هند هم از لحاظ جمعیت و هم از لحاظ رشد اقتصادی از موقعیت خاصی جهت عضویت در شورای امنیت برخوردار است و قدرت هسته ای هند نیز مزید بر علت می باشد، بنابراین هند با تکیه به معیار جمعیت و سایر مزیت ها، خود را شایسته احراز عضویت دایم کرسی شورا می داند (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

ژاپنی ها بیان می دارند که بازیگر اصلی در جنوب شرق آسیا هستند و آلمانی ها هم استدلال می کنند که از نظر سیاسی کشورشان از دموکراتیک ترین کشورهاست و سومین قدرت

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره
چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

اقتصادی جهان می باشند و از نظر فرهنگی صلح طلب هستند و در پیشرفت و توسعه و کمک به جهانیان بسیار مشارکت می کنند و بیان می کنند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). در جبران اشتباهات گذشته از لحاظ اخلاقی بیش از حد هزینه پرداخت نموده اند، در تاریخ ۶ ژوئیه ۲۰۰۵ پیشنهاد گروه ۴ به طور رسمی در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت اما به دلیل اینکه نتوانست آرای لازم را کسب نماید نتیجه ای حاصل نشد سه عضو از چهار عضو گروه چهار (آلمان، هند و برزیل) در ۶ ژانویه ۲۰۰۶، به طور رسمی پیش نویس های ژوئیه ۲۰۰۵ را در دستور کار نشست شصتم مجمع عمومی قرار دادند (محمدیان، ۱۳۸۴: ۶۷).

بنابر این طرح گروه ۴ تاکنون دو بار توسط مجمع عمومی رد شده است و نتوانسته است ۱۲۸ رای مثبت را جهت تصویب کسب نماید.

فرانسه و بریتانیا که از اعضای دایم شورای امنیت نیز می باشند از این طرح حمایت می کنند اما ایتالیا با آن مخالف است آمریکا هم به طور صریح فقط با عضویت دایم ژاپن موافقت کرده است. و بیشترین مخالفت کشورها با عضویت هند می باشد. چین از جمله کشورهایی است که از طرف دیپلماتیک سعی در ایجاد شکاف در این ائتلاف داشته است تا مانع عضویت دایمی هند در شورای امنیت گردد (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۲).

به طور کلی می توان گفت طرح گروه ۴ که پیشنهاد گسترش شورای امنیت را تا ۲۵ عضو ارائه داده است، علی رغم مخالفت ایتالیا و اسپانیا با حضور آلمان توسط اکثریت کشورها نظیر فرانسه، یونان، گرجستان، توالو، دانمارک، هائیتی، آلمان، بلژیک، بوتان، برزیل، افغانستان، فیجی، هندوراس، مولداوی، جزیره سلیمان، هند، ایسلند، ژاپن، کریبات، مولداوی، ترو، پالائوس، پاراگوئه، لهستان، پرتغال، جمهوری چک، اوکراین و ... مورد استقبال واقع شده است (Mayer, 1998: 6).

۲. طرح اتحاد برای اجماع

کشورهای کوچکتر نظیر پاکستان، مکزیک، ایتالیا، اسپانیا، الجزایر، کنیا، کره جنوبی، آرژانتین و کلمبیا که هیچ پیشینه مشترکی با یکدیگر ندارند. با هم گروه مشترکی را تشکیل داده و طرحی را به نام «اتحاد برای اجماع» جهت گسترش شورای امنیت ارائه داده اند که در آن

¹ . Tuvalu

— اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای اجماع ◇

هرگونه افزایش اعضای دایم را محکوم کردند و فقط خواستار افزایش اعضای غیر دایم شدند (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

گروه «اتحاد برای اجماع» به دلیل مخالفت با طرح گروه ۴، در ۸ ژوئیه ۲۰۰۵ اقدام به تهیه و توزیع غیررسمی پیش نویس قطعنامه ای در مورد افزایش اعضای شورای امنیت کردند که در آن خواهان افزایش تعداد اعضای غیر دایم جدید به ۲۵ عضو شدند و معتقد بودند که فقط افزایش تعداد اعضای غیر دایم و توزیع کرسی های جدید بین مناطق جغرافیای پنجگانه، با واقعیات فعلی سازگار می باشد (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۱) و از دیدگاه آنان توزیع کرسی های جدید باید به گونه ای باشد که به آفریقا و آسیا هر کدام سه کرسی و به آمریکای لاتین دو کرسی و به اروپای غربی و شرقی هر کدام یک کرسی تعلق گیرد. به طوریکه در نهایت به آفریقا ۶ کرسی، آسیا ۵ کرسی، آمریکای لاتین ۲ کرسی، گروه اروپای غربی ۳ کرسی و گروه اروپای شرقی ۲ کرسی در شورای امنیت تجدید ساختار شده تعلق گیرد. مطابق این پیش نویس مناطق در مورد نحوه انتخاب و انتخاب مجدد و چرخشی اعضا تصمیم می گیرند (شهریاری، ۱۳۹۴: ۷۸).

لازم به ذکر است این الگو بیان می داشت کشورهایی که در حال حاضر کرسی های دو ساله را در اختیار دارند مجاز به انتخاب مجدد نیستند (شاه محمدی، ۱۳۸۴: ص ۴) و گروه مذکور همچنین خواستار الغای حق وتو شد و پیشنهادهایی در مورد نحوه اصلاح شیوه کار شورا ارائه می داد. این گروه در نشست ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵، به طور رسمی قطعنامه خود را به مجمع عمومی ارائه داد (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۱).

البته گروه «اتحاد برای اجماع» علاوه بر مدل مذکور «مدل سبز»، مدل دیگری نیز ارائه کرده است که به «مدل آبی» معروف است. این مدل علاوه بر اینکه پیشنهاد افزایش اعضای غیردایم دو ساله را به ۲ یا ۳ کرسی ارائه می دهد، طبقه بندی سومی از اعضای غیر دایم با دوره های ۳ تا ۴ سال را نیز پیشنهاد می کند. این الگو در زمینه طول دوره و انتخاب مجدد کرسی های بلند مدت انعطاف پذیر می باشد. الگوی آبی ضمن پاسخ به منافع کشورهای بزرگ، از طریق ایجاد کرسی های طولانی مدت، نگرانی های کشورهای کوچک را با گسترش طبقه بندی دو ساله مرتفع می سازد (امینی؛ عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

یکی از معایب الگوهای آبی و سبز اتکای آنها به گروه بندی های قدیمی منطقه ای است؛ زیرا در ترکیب فعلی اعضا دایم شورای امنیت ۳ قدرت از ۵ قدرت دارای حق وتو از اروپا می

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره
چهارم، پاییز ۱۳۹۷

باشند که این مساله با انتقاد بسیاری مواجه شده است (عبدلی، ۱۳۹۶: ۶۵). بنابر این تضمین دهی در خصوص تخصیص کرسی به کشورهای غرب و شرق اروپا، به ترکیبی اروپا محور خواهد انجامید. اما اعضای این گروه که به «کلوپ قهوه» نیز معروف می باشند، دو امتیاز را برای طرح خود بر می شمارند. یکی اینکه افزایش اعضای غیردایم، مانع از بروز اختلاف دایم در میان رقبای منطقه ای می شود و دیگر اینکه افزایش تعداد اعضای غیر دایم با امکان انتخاب مجدد و بلافاصله برای کشورهایی که مشارکت بیشتری در فعالیت های سازمان ملل دارند، امکان حضور بیشتری را در شورای امنیت به نسبت کشورهای کوچک و غیر فعال فراهم می سازد (محمدیان، ۱۳۸۴: ۷۱).

یکی از تفاوت های طرح «کلوپ قهوه» با «گروه ۴» در این است که اعضای کلوپ قهوه معتقدند که گسترش اعضا باید از طریق اجماع صورت پذیرد اما اعضای گروه ۴ بیان می کنند که تغییرات اساسی در سازمان ملل فقط می بایست از طریق رای گیری صورت پذیرد و طرح بحث اجماع فقط توجیهی جهت عدم تلاش در این زمینه است. ولی اعضای کلوپ قهوه قطعنامه گروه ۴ را موجب شکست یا حداقل ایجاد وقفه در اصلاحات شورای امنیت میدانند (محمدیان، ۱۳۸۴: ۷۱).

نتیجه گیری

مسئله اصلاح و افزایش کرسی های شورای امنیت همواره موضوع بحث بوده است اما هیچ گاه نه توافق یا نتیجه گیری حاصل شده است نه تا مرحله دست یابی به توافق نزدیک شده است. شورای امنیت ممکن است فراتر از عرصه سیاستگذاران باشد و به دلیل اهمیت آن در مسئله صلح و امنیت مورد توجه افکار عمومی باشد، اما انتظارات، محدودیت ها، سرخوردگی و ناامیدی همواره جزء لاینفک فرایندهای سیاسی در سازمان ملل هستند

وقتی طرح های پیشنهادی گروه چهار و گروه اتحاد برای اجماع (UfC) تقدیم اعضای مجمع عمومی شد، هیچ یک نتوانستند این ارائه را به موفقیت تبدیل کنند. اشاره های مثبت به طرح های پیشنهادی این گروه ها به حدی نبود که پیش نویس آن ها را شایسته به رأی گذاشتن نمی کرد: بیشترین میزان ابراز حمایت ها از هر یک از این سه ائتلاف ۲۳ درصد بود.

— اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای اجماع ◇

مسئله گروه UFC مثال مشخصی است که نشان می‌دهد مذاکره درباره اصلاح شورای امنیت تا چه اندازه ممکن است پیچیده باشد. با تحلیل زمانی فعالیت‌های شورایی که تصمیم گرفتند در پایان دهه ۱۹۹۰ ائتلاف ایجاد کنند، می‌توان مشاهده کرد که از سال ۱۹۹۵، کشورهای مانند آرژانتین، کلمبیا، کاستاریکا و اسپانیا از بزرگ‌سازی شورا حمایت کرده‌اند. در طول سال‌های بعد نیز همین موضع را حفظ کرده‌اند و همواره خواستار ایجاد کرسی‌های انتخابی بیشتر در شورا بوده‌اند. در جریان جنگ سرد، اعضای آینده گروه UFC، گروه چهار و اتحادیه آفریقا موضع مشترکی اتخاذ کردند.

از آن‌جا که بیشتر اعضای آینده گروه UFC همچنان معتقد بودند که برای توسعه شورا فقط کرسی‌های غیردائم باید افزایش یابد، سایر کشورها تلاش کردند آن‌چه را که نمایندگی عادلانه می‌دانستند به شکل ایجاد کرسی‌های دائمی بیشتر پایه‌ریزی کنند. از این اختلاف دیدگاه به بعد، هر دو گروه برای تقویت استدلال‌های خود اقداماتی را انجام دادند. کشورهای وابسته به گروه UFC در تعدیل پیشنهادهای خود انعطاف‌پذیر بودند، اما از همان ابتدا موضع خود را سرسختانه حفظ کرده بودند. پیچیدگی گاه‌شماری فعالیت‌های اعضای UFC از اختلاف میان بازیگران ناشی می‌شود. همزمان با شروع اقدامات اکثر اعضا در جهت تغییر دموکراتیک در شورا از زمان اجلاس سانفرانسیسکو، سایر اعضا فقط بعد از برخی فعالیت‌های راهبردی در صحنه ظاهر شدند.

برخی بازیگران، کافی کلاب و فعالیت‌های UFC را تلاش آشکار اعضای آن برای ممانعت رقابتی منطقه‌ای از دستیابی به کرسی‌های دائم در شورا توصیف می‌کردند، اما نتایج تحلیل ساختاری گفتمان شورا و شرایط پیش‌نویس طرح بر هدف واقعی آن‌ها برای ایجاد اصلاحات دلالت داشت. غیرممکن است که کل اهداف گروه را فقط به "شگردهای تأخیری" محدود کرد وقتی طرح آن حقیقتاً تغییرات مثبت در سیستم شورا به وجود خواهد آورد، حتی با توجه به این احتمال که برخی کشورهای عضو گروه UFC ممکن است با رقابت‌های منطقه‌ای ترغیب شده باشند. وقتی به گروه انگ ائتلاف خرابکار یا اصلاح‌طلب زده می‌شود، انگیزه‌های برخی از اعضا نمی‌تواند به مشروعیت محتوای پیشنهادهای آن صدمه‌ای وارد کند اگر اهداف آن تغییرات صادقانه باشد. طرح پیشنهادی ۲۰۰۵ اقدام رسمی روبه‌جلویی برای کافی کلاب سابق

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره
چهارم، پاییز ۱۳۹۷

بود که به این اتفاق نظر احتمالی منتهی شد؛ در این پیش‌نویس، آنچه ساختار مناسب تلقی می‌شد و قرار بود مبنای شورای دموکراتیک اصلاح‌شده قرار گیرد، به‌طور رسمی ارائه شده بود. بعد از ارائه پیش‌نویس، انگ‌زنی به گروه به‌عنوان خرابکار برای بسیاری از بازیگران داخل و خارج مجمع عمومی متداول شد، حتی با استدلال منطقی و مشخص UFC مبنی بر این‌که ایجاد کرسی‌های دائمی جدید ائتلاف‌های بین دو گروه از اعضای شورا را تشدید خواهد کرد، گروه UFC را به‌عنوان گزینه اصلاحات کنار گذاشتند.

از حیث سطح حمایت‌ها، تفاوت قابل توجهی بین طرح پیشنهادی UFC درمقایسه با پیشنهادهای گروه چهار مشاهده نمی‌شد؛ چراکه بازخوردهای مثبت درباره آن‌ها به‌حدی نبود که در فرایند رأی‌گیری مورد بررسی قرار گیرد. اعضای گروه‌های مخالف با UFC این گروه را به تلاش برای توقف اصلاحات متهم می‌کردند، اما استدلال‌های آن‌ها به‌ندرت متقاعدکننده بود. به‌علاوه، تعدادی از نمایندگان کشورهای عضو، که به گروه‌های اصلاح‌طلب اصلی در سازمان ملل وابستگی نداشتند، مشروعیت UFC را به‌عنوان گروه به رسمیت شناختند. بسیاری از محققان و دیپلمات‌ها تأکید می‌کردند که انگیزه‌های UFC از حیث دفاع از منافع اعضای آن واقعی بود و این‌که اقدامات این گروه در خلال بحث‌ها همان فعالیت‌های معمول در روال سیاسی سازمان ملل بود.

بنابراین، برای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش - "آیا گروه UFC حقیقتاً خواهان اصلاح شورا است یا صرفاً خرابکار است؟" - میتوان گفت که گروه UFC گروهی اصلاح‌طلب است. حتی اگر اعضای گروه UFC برای جلوگیری از تصویب پیشنهاد گروه چهار تلاش می‌کنند، این بدان معنا نیست که خرابکار هستند، به‌ویژه اگر طرح پیشنهادی با رسیدن به اکثریت فاصله زیادی دارد و آن‌ها به‌دنبال طرح پیشنهادی خود هستند. این فقط بدان معنا است که خواهان چیزی متفاوت هستند و دیدگاه متفاوتی نیز دارند.

— اصلاحات در شورای امنیت با تاکید بر نقش گروه کشورهای اتحاد برای اجماع ◇

منابع فارسی

الف: کتاب‌ها

- احمدی، کورش (۱۳۸۶)، *شورای امنیت و مسئله تجدید ساختار آن*، چاپ اول، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات: تهران.
- بعیدی نژاد، حمید و سایرین (۱۳۸۴)، *تحول در ساختار نظام ملل متحد*، چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران
- شهریاری، عبدالنعیم (۱۳۹۴)، *اصلاح ساختار شورای امنیت زمینه‌ها و ضرورت‌ها*، چاپ اول، انتشارات خرسندی: تهران.
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۵)، *اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد ایران*، چاپ دوم، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های روابط بین الملل
- موسی زاده، رضا؛ جمشیدی، ارسلان (۱۳۹۳)، *شورای امنیت سازمان ملل متحد: وتو و تحول در نحوه کاربرد آن*، چاپ اول، نشر میزان.

ب: مقالات

- آقازاده، مازیار (۱۳۸۳)، «سهم خواهان جدید شورای امنیت»، *گزیده تحولات جهان*، شماره ۲۹.
- امینی، آرمین؛ عظیمی، شمس (۱۳۹۲)، «گروه چهار، تلاش برای عضویت دائم در شورای امنیت؛ زمینه‌ها و روندهای پیش‌رو»، *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی*، سال اول، شماره اول.
- شاه محمدی، عزیز (۱۳۸۴)، «الگوی تغییر شورای امنیت»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۲.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره
چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

- محمدیان، حمید (۱۳۸۴)، «پیامدهای هژمونی و یک جانبه گرایی آمریکا در بحث افزایش اعضای شورای امنیت سازمان ملل»، مجله راهبرد، شماره ۳۸.

ج: پایان نامه

- عبدلی، مهران (۱۳۹۶)، نقش دولت‌های هم اندیش در اصلاحات شورای امنیت، پایان نامه دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس بین الملل قشم.

منابع انگلیسی

- Drifte, Reinhard (2000). *Japan's Quest for a Permanent Security Council Seat: A Matter of Pride or Justice?* Houndmills, Basingstoke, Hampshire: Macmillan Press.
- Hoffmann, Walter & Ariyork, Ayca (2005), Security Council Reform Models, available at: <http://www.centerforunreform.org/nobe/148>
- Rodriguez, Roberto M (2010). *A New Wave for the Reform of the Security Council of the United Nations: Great Expectations but Little Results*. Malta.
- Mayer- Mruwat, Emad (1998), "United Nations: Critiques and reforms", *Journal of Third World Studies*.
- See the 16th letter of the 53rd session of the General Assembly, 28 October 1998. (A/53/L.16)
- Turner, Mark and Williamson, Hugh (2005), UN Reform Fight Descends In to Rancour, *Financial Times* (London, England).